بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

اساس نویسندگی، رُمان یا چیزهای دیگر بر تخیّل است. البتّه غیر از دانشمندانی که فرض کنید می‌خواهند رسیدگی کنند که خواب چیست؟ مرگ در سلول‌ها چطوری است؟ اینهایی که محققین بنویسند، یک‌قدری قابل توجّه هست و حتماً یک مقدار زیادی از حقیقت در آن وجود دارد ولی فیلم‌ها یا کتاب‌های دیگری که نوشته می‌شود بیشتر مبنی بر تخیّل است، البتّه این تخیّل ممکن است یک تخیّلی باشد نزدیک به حقیقت یا تخیّلی باشد دور از حقیقت. بیشترِ اینطور کتاب‌ها هم خیلی شایع می‌شود، مِن‌جمله یک کتاب‌هایی در مورد تجربیات نزدیک مرگ هست چون مرگ و آن حالاتی که برای مریض محتضر پیدا می‌شود، یک امری است که خیلی مورد توجّه همه‌ی مردم است، این را روی این کتاب نوشتند. نمی‌شود گفت همه‌اش بی‌جاست، نه! حتماً یک مقداری از حقیقت در آن هست و به‌قول بوعلی سینا حرفی که گفته، هنوز هم رواج دارد برای اینکه بشر به آن نیاز دارد. می‌گوید: هر چه را شنیدی، مگو بی‌خود است، مگو دروغ است ولی باور هم نکن، وقتی که حقانیّت آن بر تو باور شد، این کار را بکن.

ما برای اطلاع پیدا کردنِ از بعد از مرگ یا قبل از مرگ، در حوالی مرگ دقیقاً منبع دنیایی نداریم. برای اینکه آن کسی که تحقیق می‌کند تا بیاید تحقیقش به نتیجه برسد، خودش هم رحمت‌الله می‌شود. اینها بیشتر نظریات مذهبی است از علمای مذهبی، که در مورد این مطلب گفته‌اند. امّا یک مقداری از این تخیّلات که روی تخیّل، روی چیزی می‌نویسند، صحیح است، واقعیت دارد به این معنی که در حالت بیمار دقّت می‌کنند، در حالت آن کسی که دارد می‌رود مثل اینکه شما فرض کنید در خیابان فردوسیِ آنوقت یکی این بالا دارد قدم می‌زند کیفی هم دستش است، می‌گوید که این دارد از آن فروشگاهِ ایران خرید می‌کند و از آنجا اتوبوس هم سوار می‌شود می‌رود. این تخیّلی است که کاملاً ممکن است صحیح باشد، حتّی ممکن است همه‌اش هم صحیح باشد. اگر حتماً لازم است که این را بدانید، بخوانید ولی این احتمال را هم بدانید که این غلط است یا یک مقدارِ عمده‌اش غلط است. در زیست‌شناسی یا در علوم مربوط به این چیزها، اخلاق انسان، خصوصیات اخلاق، نه به معنای خُلق و به معنای علم اخلاق یعنی خصوصیات روانی یک شخص کاملاً مرتبط با وضعیت بدنی اوست.

یکی گفت که آنوقت‌ها در بیدخت، من در آن جلسه نبودم ولی همان ایّام آنجا بودم که یکی

ادّعای خدایی کرده بود. مرحوم حاج آقای سعادتی با او صحبت کرده بودند، گفته بود همه خداییم، بله! نفهمیده که منظورِ وحدت وجود چیست؟ گفتند نه، من خدا نیستم من پیغمبرم. گفته: هر چه می‌گویید، همان هم هستید. گفته: من خدا هستم، گفته: ما قبول داریم. گفته: حرف من را قبول داری؟ گفته: بله! گفته که من تو را که به پیغمبری، نفرستادم. تو دروغگو هستی. همه زده بودند به خنده.

یا از یکی دیگر سیّدی بود که آدم خوبی بود، حالا ادّعای پیغمبری کرده بود. نزدیک ناهار بوده، از او پرسیدند: ناهار خوردی؟ غذا خوردی؟ گفته بود: حضرت‌آقا! من اگر غذا داشتم، نان داشتم، من را چه به پیغمبری؟! صریحاً گفته بود. منظور اینکه این خصوصیت با گرسنگی پیدا می‌شود برای او. برای هر کسی در وضعیت خورد و خوراک و استراحت و کارش یک توهّماتی به‌اصطلاح و اطلاعاتی ممکن است ایجاد بشود. آن کسانی که یک‌خرده مطالعاتی دارند، درسی می‌خوانند یا تجربه‌ای می‌کنند، تجربه هم غیر از درس نیست، تجربه چیزی است که مایه‌ی درس می‌شود در واقع. همه‌ی اینها مؤثّر است. یک فرزندی که از این پدر با یک خصوصیات، یا مادر با یک خصوصیات، به‌وجود بیاید، بالاخره جسم دارد. حالا اگر بگوییم کارهای روانی در روح مؤثّر نیست، کارهای جسمی به هم مربوط است. مسلّماً در جسم و روان این فرزند مؤثّر است. بنابراین پدر اگر مثلاً گناهکار باشد، آدم جانیِ بالفطره باشد، قطعاً پسرش، فرزندش همانطور می‌شود. یا اگر پدر مردِ خدا باشد فرزندش یقیناً آنطوری می‌شود مگر اینکه یک عوامل خارجی بیاید این را عوض کند وِالّا آنچه مقتضای وجودیِ این است، همان چیزی است که پدرش هم دارد. بنابراین اگر پدرش یک بدکاری بوده منتها دولت یا حکومت مجال نکردند، دسترسی پیدا نکردند که این را مجازات کنند، ممکن است این مجازات به پسرش برسد، قطعاً نیست ولی خداوند معمولاً یک کاری می‌کند که کسی که اینطور باشد، بی‌مجازات در نرود.

این است که همه‌ی این اطلاعات، همه‌ی این چیزها از تجربه‌ی مردم، تجربه ایجاد می‌شود. حتّی فحش‌هایی که هست، می‌گویند: بر پدرت لعنت. این خودش گناه کرده، چرا مردم می‌گویند: بر پدرش لعنت؟ ناگزیر چون پدرش را تولیدکننده‌ی این می‌دانند، بر پدرش لعنت می‌کنند یا می‌گوید: بر پدرت رحمت، می‌گوید: خدا نمی‌دانم چه کند آن شیری که تو خوردی. البتّه بعضی‌ها می‌گویند: خدا رحمت کند آن شیری که تو را خورد، نه! برای اینکه غذای کودک همان شیر است و آن تمام وجود این را تشکیل می‌دهد. وجود اینکه تشکیل می‌شود، از آن به‌وجود آمده. این است که در بسیاری از موارد دیده شده که گناهِ پدر به فرزند می‌رسد. یک چیز محسوسِ آن این است که این بیماری‌هایی که ارثی است، می‌رسد، اینها گناه نیست، یک وضعیت اعمال پدر و مادر و جدّ است تا چندین قرن پیش و

همین مسأله موجب بررسی قانون وراثت می‌شود. این قانون وراثت، نه ارثی که ارث مالی باشد یا ارثی که به ارث برسد، نه! خصوصیات خودش کسی، به ارث برسد. این قانون ارث را همه می‌بینیم. می‌گوییم: بر پدرت رحمت یا بر شیر پاکی که خوردی رحمت و یا بالعکس می‌گوییم. اینها همه تجربیاتی است که برای همه‌ی اجتماعات بشری حاصل شده بنابراین، این باید یک موجبی باشد برای اینکه همه‌ی مرد و زنی که حالا زندگی می‌کنند، یک خاطره‌ی خوبی از خودشان بگذارند. نه فقط خاطره‌اش یعنی کارهایی بکنند که این کارها مورد تأیید خداوند است، از آن کارها در وجودِ فرزند دیده می‌شود.

بعضی وقت‌ها که خداوند اینطور چیزها را به ما نشان نداده، نمی‌دانیم چطوری می‌شود که اخلاق کسی به فرزندش می‌رسد؟ یک اصطلاحات مذهبی به کمک آمده. این اصطلاحات مذهبی هم یا فرض دارد یا واقعاً هم همانطوری است. چه بسا می‌گویند: شیر حلال بخورید، یا غذای حلال بخورید، غذای حلال یعنی از دزدی نباشد، از این چیزهایی که الان در روزنامه‌ها می‌بینید فراوان است، بطوری که شاید تشخیص مال حلال خیلی مشکل است، همه حلال و حرام قاطی شده. قاعدتاً ممکن است کسی بگوید: آقا! این غذا که درست کردی از مال حلال است، این از حرام است، هیچ فرقی با هم ندارد. ما نمی‌دانیم یک فرق‌هایی هست که چشم بشر نمی‌بیند. چه بسا از آن فرق‌هاست، ما منتها می‌گوییم چون ما نمی‌دانیم چیست و خداوند به ما یاد نداده، ما می‌گوییم که این اثر را دارد. بنابراین مسلّماً باید این توجّه را بکنید که هر کاری می‌کنیم انعکاس دارد و اثر دارد. چه اثر در وجود خودمان و روحیّات خودمان، چه در وجود دیگران و به‌خصوص فرزندان‌مان. این مسلّماً مؤثّر است.

مرگ هم هنوز نمی‌دانند چیست؟ چطوری ایجاد می‌شود؟ از اوّل اینقدر درکِ این مسائلِ حیات مشکل است که فقط در اینجا این ضرب‌المثل‌هایی که در مردم متداول شده، کمک می‌کند. مَثَلی است می‌گویند: از گلویت پایین نمی‌رود. این شاید اثری است که مالی دارد که می‌داند این حرام است و می‌خورد، آن اثر بر گلویش شاید ظاهر می‌شود. به‌هرجهت فقط ماییم و این ضرب‌المثل‌ها، تا یک روزی شاید خداوند مصلحت دانست که بتوانیم.

در کتاب‌ها می‌نویسند که امروز مسأله‌ی وراثت را خیلی علمای زیست‌شناسی و حتّی علمای جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار دادند. مثلاً این ضرب‌المثل در قدیم، در کتاب‌های قدیم هم هست که تا هفت پشت ارث می‌رسد. از هفت پشت به ارث می‌رسد، ارثِ خصوصیات اخلاقی به فرزند می‌رسد. این را زیست‌شناسان آزمایش کردند. مثلاً یک موش سفید و یک موش سیاه را گرفتند و نسل اینها را بررسی کردند تا هفت پشت اثر می‌کند و این

همان مَثَلی است که در زبان هم می‌گویند، مردم به زبان می‌آورند که تا هفت پشت اثر می‌کند. اینجا نظر مردم و ضرب‌المثلی که در مردم هست، خیلی قبل از آزمایشات زیست‌شناسی بوده با هم منطبق بودند یعنی همان حرفی که آن زیست‌شناس گفته، جامعه هم تصدیق کرده که همانطور است. این وراثت.

همچنین اثر غذا در روحیّات شخص؛ این را هم که دیگر همه گفته‌اند، می‌گویند گرمی‌اش شده، سردی‌اش شده، چه بخورد؟ اینها همه خصوصیات اخلاقی است که در اثر این غذاها ایجاد می‌شود. بنابراین می‌شود گفت که مسلّماً پدر و مادر اعمالی که بکنند چون اعمال‌شان هم نتیجه‌ی زندگی‌شان است که دارند، اعمالی که می‌کنند خوب یا بد به یک نحوی و تا اندازه‌ای در فرزندان مؤثّر است، بی‌اثر نیست. همچنین بعد هم بدانند آنوقتی که، در واقع همانطوری که یک نوزادی چه انسان، چه حیوانات به‌وجود می‌آید، وجودش و جان خاصّی که در او گذاشته می‌شود، این وجود از همان لحظه‌ی انعقاد نطفه است که با همان بزرگ می‌شود و خداوند برای انسان‌ها روح می‌گذارد.

بنابراین در لحظاتی که هیچکس هم نمی‌بیند و نمی‌داند، اثرات کارهای پدر و مادر در سرنوشت و خصوصیات اخلاقی فرزند مؤثّر است. اینها را آن کسی هم که علم نمی‌داند، درس نخوانده، بی‌سواد است اینها را می‌تواند بفهمد. البتّه هر چند لیسانس و دکتری هم، این لیسانس و دکترای حالا، به مفت نمی‌ارزد ولی این برای ما درس است، نه درسی که بعد امتحان می‌دهند، درسی که رویّه‌ی برنامه‌ی کار و زندگی خودمان است. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه، ۱۳۹۴/۲/۲)


بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.